



شناختی دیگر از "قمر" شهبانوی هنر آواز زنان ایران

قمرالملوک وزیری کیست؟

قمرالملوک وزیری را باید پیش‌تاز و شهبانوی هنر آواز زنان ایران دانست. بانوی بزرگوری که در میان خرافات بیش از پیش آن دوران، پرده‌ها را بردید و فریاد از سینه برخاسته بانوان در بند خرافات اسلامی را به گوش همگان رسانید. بی تردید قمرالملوک وزیری نخستین ستاره درخشان هنر خوانندگی ایران است.

قمرالملوک وزیری زاده (۱۲۸۴ خورشیدی - ۱۴ مرداد ۱۳۳۸ خورشیدی)، را می‌توان از مشهورترین خوانندگان زن ایران دانست که با وجود بهره مند بودن از صدایی ماندگار و جاودانی، بانویی بسیار فداکار و یکی از نخستین زنان آزادی‌خواه ایران بود که به دفاع از حقوق زنان و مخالفت با حجاب و پوشش اجباری پرداخت!

بانو قمرخانم سید حسین خان مشهور به قمرالملوک وزیری زاده یکی از نخستین زنانی بود که در دوران تاریخ معاصر ایران به صورت بی‌حجاب، به خوانندگی در حضور مردان پرداخت و از وی به عنوان پرآوازه‌ترین خواننده زن آوازه‌های سنتی ایران یاد می‌شود. بانو قمرالملوک وزیری آوازه‌خوان دلبری که راه آزادی و آزاد اندیشی و هنرمندی را برای بانوان کشورمان هموار کرد.

زندگی‌نامه قمرالملوک در تاستان قزوین به دنیا آمد، برخی گفته‌اند که او در قزوین به دنیا آمده است اما به گفته دختر معنوی او، زبیده جهانگیری، قزوین در آن زمان ملک آقای بحرینی بوده و بانو قمر برای فرار از ازدواج به آنجا پناه برد.

بانو قمر در هنگام تولد پدر نداشت و در ۱۸ ماهگی مادرش را از دست داد و از آن زمان تحت سرپرستی مادر بزرگش که روضه‌خوان زبانه حرم ناصرالدین شاه بود قرار گرفت و به این طریق با آشنایی چگونگی روضه و مداحی مادر بزرگش، آواز و هیاهای آن را فرا گرفت. او در جایی گفته است: من مدیون تربیت اولیه خودم هستم. چرا که همان یا منبری

کردن‌ها به من جرأت خوانندگی داد!

آغاز کار هنر خوانندگی قمر در جوانی پس از آشنایی با مرتضی نی‌داود با ردیف موسیقی ملی آشنا شد و راهش را برای کسب تجربیات از استادان دیگر هموار ساخت. محمدحسین شهریار غزل زیبایی را در مدح این بانو سروده است. غزل شهریار با

مطلع از کوری چشم فلک امشب قمر اینجاست سروده شده است. همچنین بنان در وصف این بانو گفته: قمرالملوک ام کلثوم ایران است.

خاطره و مهر این بانوی بزرگوار چنان برج ماندنی و عمیق در روح و جان هنرمندان ایران باقیست

شناختی دیگر از

که با وجود مخالفت دولت جمهوری اسلامی ایران با ذکر نام قمرالملوک وزیری، صدیق تعریف آلبوم ماه بانو را برای بزرگداشت او خواند و منتشر کرد.

آشنایی مرتضی خان نی داوود با بانو قمرالملوک وزیری

مرتضی خان نی داود گوید: من بارها برای عروسی و میهمانی بزرگان به باغ عشرت‌آباد دعوت شده بودم، برای عروسی، مولودی و... اما هرگز حال آن شب را نداشتیم. پانزدهم انگیزی بود و من به جوانی و عشق فکر میکردم، از مجلسی که قدر ساز را نمیشناختمد خوشم نمی‌آمد اما چاره چه بود، باید گذران زندگی میکردیم. چنان ساز را در بغل میفشرده که گوئی زانوی غم بغل کرده ام. نمیدانستم چرا آن کسی که قرار است در اندرونی بخواند، صدایش در نمی‌آید.

در همین حال و انتظار بودم که دختر ۱۳ - ۱۴ ساله‌ای از اندرونی بیرون آمد، حتی در این سن و سال هم رسم نبود که دختران و زنان اینطور بی پروا در جمع مردان ظاهر شوند. آمد کنار من ایستاد نمی‌دانستم برای چه کاری نزد ما آمده است و کدام پیغام را دارد.

چشم به دهانش دوختم و پرسیدم: چه کار داری دختر خانم؟ گفت: میخواهم بخوانم.

گفتم: اینجا یا اندرونی؟ گفت: همینجا!

نمیدانستم چه بگویم. دور و بر را نگاه کردم، هیچکس اعتراضی نداشت. به در ورودی اندرونی نگاه کردم.

چند زنی که سرشان را بیرون آورده بودند، گفتند: بزنید، میخواهد بخواند!

گفتم: کدام تصنیف را میخوانی؟ بلافاصله گفت: تصنیف نمیخوانم، آواز میخوانم!

به بقیه ساز زنها نگاه کردم که زیر لب پوزخند میزدند. رسم ادب در میهمانی‌ها، آنهم میهمانی بزرگان، رضایت میهمان بود.

پرسیدم: اول من بزنم و یا اول شما میخوانید؟

گفت: ساز شما برای کدام دستگاه کوک است؟

پنجه‌ای به تار کشیدم و پاسخ دادم: همایون.

گفت: شما اول بزنید!

با تردید، رنگ و در آمد کوتاهی گرفتم. دلم میخواست زودتر بدانم این مدعی چقدر تواناست.

بعد از مضراب آخر درآمد، هنوز سرم را به علامت شروع بلند نکرده بودم که از چپ غزلی از حافظ را شروع کرد... تار و میهمانی را فراموش کردم، چپ را با تحریر مقطع اما ریز و بهم پیوسته شروع کرده بود. تا حالا چنین سبکی را نشنیده بودم صدایش زنگ

مخصوصی داشت، باور کنید پاهایم سست شده بود.

تازه بعد از آنکه بیت اول غزل را تمام کرد، متوجه شدم از ردیف عقب افتاده ام!

معاشران گره از زلف یار باز کنید شبنی خوش است بدین قصه‌هاش دراز کنید.

میان عاشق و معشوق فرق بسیار است چو یار ناز نماید شما نیاز کنید بقیه ساز زنها هم، مثل من، گیج و

مبهوت شده بودند جا برای هیچ سوالی و حرفی نبود، تار را روی زانوهایم جابجا کردم و آنرا محکم در بغل فشردم. هر گوشه‌ای را که ماه میگرفتم میخواند.

خنده‌های مستانه مردان قطع شده بود و یکی یکی از زیر درختان بیرون آمده بودند از اندرونی هیچ پیچ و پچی به گوش نمی‌رسید، نفس همه

مردان ۱۳۳۸ در شمیران، بر اثر سکنه مغزی درگذشت. وی در گورستان ظهیرالدوله بین امامزاده قاسم و تجریش شمیران به خاک

بند آمده بود. هیچ پاسخی نداشتم که شایسته اش باشد.

گفتم: اگر تا صبح هم بخوانی میزنم! و در دلم اضافه کردم: تا پایان عمر برایت میزنم!

آنشب باز هم خواند، هم آواز هم تصنیف، وقتی خواست به اندرونی باز گردد.

گفتم: میتوانی بیایی خانه من تا ردیف‌ها را کامل کنی؟

گفت: باید پرسم.

وقتی صدلیها را جمع و جور میکردند و ما آماده رفتن بودیم، با شتاب آمد و گفت: آدرس خانه را برابم بنویسید.

و تکه کاغذی را با یک قلم مقابلم گذاشت، اسمش قمر بود!

کار پیشرفت قمر در مدتی کوتاه به آنجا رسید که کمپانی "هیز ماسترز ویس His Master's Voice" به خاطر ضبط صدای او دستگاه صفحه پر کتی به تهران آورد. بعد از آن کمپانی پولیفون Polyphon هم آمد. به گفته ساسان سپینتا ۲۰۰ صفحه از قمر ضبط شده است.

نخستین کنسرت قمر

نخستین کنسرت قمر با همراهی ابراهیم خان منصوری و مصطفی نوریایی (ویولن)، شکرالله قهرمانی و مرتضی نی داوود (تار)، حسین خان اسماعیل زاده (کمانچه) و ضیاء مختاری (پیانو)، پسر عموی

استاد علی تجویدی برگزار شده است. روز بعد نظمی از او تعهد گرفت که بی حجاب کنسرت ندهد.

قمر عواید کنسرت را به امور خیریه اختصاص داد. قمر در سفر خراسان در مشهد کنسرت داد و عواید آن را صرف آرمگاه فردوسی نمود. در همدان در سال ۱۳۱۰ کنسرت داد و ترانه‌هایی از عارف خواند. وقتی

نیرالدوله والی خراسان چند گلدان نقره به او هدیه کرد آن را به عارف پیشکش نمود. با این که عارف مورد غضب والی و دستگاه رضاشاه بود.

در سال ۱۳۰۸ به نفع شیر و خورشید سرخ کنسرت داد و عواید آن به بچه‌های یتیم اختصاص داده شد.

بخش آواز زیبای قمر در سرتاسر کشور

با گشایش رادیو ایران در سال ۱۳۱۹ صدای قمر را به عموم مردم

سپرده شد. نامش همیشه ماندنی و موجب افتخار هر ایرانی نیک سرشت خواهد بود.

مردان ۱۳۳۸ در شمیران، بر اثر سکنه مغزی درگذشت. وی در گورستان ظهیرالدوله بین امامزاده قاسم و تجریش شمیران به خاک

درآمدهای بزرگ و هدایای گران را به فقرا و محتاجان می‌داد. قمرالملوک وزیری این شهبانوی آواز و هنر ایران، در تاریخ ۱۴

ایران رسید. عارف قزوینی و ایرج میرزا و تیمورتاش وزیر دربار، شیفته او شده بودند. باین همه قمر از گردآوری زروسیم پرهیز می‌کرد

ایران رسید. عارف قزوینی و ایرج میرزا و تیمورتاش وزیر دربار، شیفته او شده بودند. باین همه قمر از گردآوری زروسیم پرهیز می‌کرد

ایران رسید. عارف قزوینی و ایرج میرزا و تیمورتاش وزیر دربار، شیفته او شده بودند. باین همه قمر از گردآوری زروسیم پرهیز می‌کرد

<p>از سوی این بانوی گرانمایه است که باید سرلوحه آموزش برای فرد فرد ما ایرانیان باشد .</p>	<p>یادماندنی، و موجب بسی افتخار است. نکته دیگر، مردم داری و کمک به بینوایان و محرومان جامعه</p>	<p>در بیرون آمدن از پشت پستو و بندهای خرافات مذهبی و انسان های خردباخته زمان خودش</p>	<p>از قمر چه می آموزیم؟ قمر نه تنها یک هنرمند چیره دست و سلطان کم نظیر آواز بود، بلکه دلبری و شجاعت این بانوی بزرگوار</p>
---	---	---	---